

واکاوی فواصل آیات قرآن کریم از منظر ساخت شکنی

تاریخ دریافت مقاله: آبان ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش مقاله: آذر ۱۳۹۹

فرزانه تاج آبادی^۱، مریم قیاس زارعیان^۲

^۱ استاربار پژوهشکده اعجاز قرآن، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد اعجاز قرآن، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

نویسنده مسئول:

مریم قیاس زارعیان

چکیده

فواصل آیات قرآن کریم (حروف، کلمات و یا عبارات پایانی آیات) از جمله موضوعاتی است که نزد پژوهشگران علوم قرآنی مورد توجه قرار داشته و با واری در فواصل آیات، به جلوه‌ای از اعجاز ادبی و لفظی قرآن پی می‌بریم. یکی از مهمترین مباحث در فواصل آیات، توجه به ساختار آنان است که در برخی آیات، با ساختار شکنی فواصل روبرو هستیم، این تغییرات علاوه بر جنبه دلالتی و محتوایی، بر آوای موسیقایی آیات و سور قرآن نیز تاثیرگذار است. توجه بر ساخت شکنی در فواصل آیات و نبود مقاله‌ای به طور اختصاص در این زمینه نیاز یک تحقیق را در این مورد ضروری می‌سازد. در این پژوهش با استخراج انواع تغییرات ساختاری در فواصل و ارائه رده‌بندی تغییرات موجود در فواصل آیات، نیاز به چنین کاستی در پژوهش‌های موجود را مرتفع می‌سازد. در واکاوی تغییرات که بر اساس جمع آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای صورت گرفته، شیوه پردازش، توصیفی-تحلیلی است که دستاورد آن بیان انواع تغییرات و دسته‌بندی کلی تغییرات موجود در فواصل آیات است که می‌تواند راه را برای جویندگان علوم قرآنی و پژوهشگران هموار سازد.

کلمات کلیدی: فواصل آیات، ساختار فواصل آیات، ساخت شکنی در فواصل آیات، رده‌بندی تغییرات فواصل.

مقدمه

قرآن کریم، این کتاب گرانقدر هم از نظر اعجاز لفظی و ادبی و هم از نظر آوایی در اوج فصاحت و بلاغت قرار دارد، تناسب و هماهنگی میان فواصل آیات و سور قرآن کریم، از دیرباز مورد توجه قرآن پژوهان و محققین بوده و آنچه در این میان بسیار حائز اهمیت است تغییرات ساختاری در فواصل آیات و سور قرآنیست که در کتب علوم قرآنی فصلی از کتاب خود را در واکاوی فواصل آیات اختصاص می‌دادند منجمه می‌توان به زرکشی در «البرهان فی علوم القرآن»، سیوطی در «الاتقان فی علوم القرآن» اشاره داشت. اما امروزه کتب فراوانی در خصوص فواصل آیات نگاشته شده است که از آن میان می‌توان به کمال الدین عبدالغنی مرسی در «فواصل الایات القرآنیه»؛ السیدخضر در «فواصل الایات القرآنیه»؛ ابوحسان در «الدلالات المعنویه لفواصل الایات القرآنیه» اشاره داشت، در هر یک از کتب بیان شده به فهرستی از تغییرات ساختاری در فواصل اشاره شده است؛ اما هیچ تحقیق منجمی در این مورد انجام نشده است. اهمیت واکاوی در فواصل آیات را می‌توان از دو منظر بیان نمود:

الف: فواصل آیات مشتمل بر کل آیات قرآن می‌شود.

ب: ذکر اسماء الهی در فواصل آیات.

پژوهش حاضر با استخراج گونه‌های مختلف تغییرات ساختاری در فواصل آیات قرآن کریم، در چهار منبع کتب المرسی؛ السیدخضر؛ ابن صائغ و ابوحسان و رده‌بندی کلی انواع تغییرات، در نظر دارد بتواند در این زمینه راهگشا باشد. این پژوهش از سه بخش اصلی تشکیل یافته است، در بخش اول به مبادی و مبانی تحقیق می‌پردازد و در بخش دوم به بیان انواع تغییرات ساختاری فواصل و زیرمجموعه‌های هر دسته اشاره دارد و در بخش پایانی به دستاوردهای تحقیق می‌پردازد.

مبادی و مبانی تحقیق

در هر تحقیق از یک سری اصول و قواعد تبعیت می‌کند که در این پژوهش نیز بر قواعدی استوار است که با بیان آن، در استفاده مطالب کارساز است.

معنای لغوی فاصله

قدیمی‌ترین اثری که به توضیح این واژه پرداخته است را می‌توان کتاب «العین» خلیل بن احمد فراهیدی (۱۷۰ق) در بخش «فاء، صاد، لام» به معنای روشن‌کننده و تمییز دهنده بین چیزی از چیز دیگر، فرق میان حق و باطل؛ «الفیصل» به حاکم گفته می‌شود؛ «فصیل» به بچه شتری که از مادرش جدا شده می‌گویند؛ «المفصل» به زبان می‌گویند؛ «مفاصل» به آنچه بین مهره‌ها پیوستگی ایجاد می‌کند، بیان می‌شود که جمع آن مفاصل است. فاصله را به آنچه که بین دو مهره جدایی می‌افکند می‌توان نامید «الفصل: مسافت بین دو چیز؛ الفصل من الجسد» (فراهیدی، ج ۷، ص ۱۲۶). ابن فارس (۳۹۵ق) "انها التي فصلت ایمانه و كفره"، (فَصَلَّ) الْفَاءُ وَالصَّادُ كَلِمَةٌ تَدُلُّ عَلَى فَصْلِ بَيْنَ شَيْئَيْنِ. مِنْ ذَلِكَ الْفُصُوصُ، هِيَ مَفَاصِلُ الْعِظَامِ كُلِّهَا (مقایس اللغة، ۱۹۷۹، ج ۴، ص ۴۰۴). زمخشری (۵۳۸ق) در «اساس البلاغه»: هو الفاصل بین الحق و الباطل بیان می‌دارد. (اساس البلاغه، ۱۴۱۹، ج ۹۳، ص ۳۲۷).

ابن منظور (۷۱۱ق) فاصله از لغت «فَصَلَ» گرفته شده است که می‌تواند از جمله لغاتی باشد که بین ترادف و تضاد معنایی قرار دارد مانند: «الفصل من الجسد» که جسد از بدن جدا شد و یا اینکه «الخرزه التي تفصل من الخرزتين فی النظام» که در این جمله به معنای آن چیزی است که بین مهره‌ها پیوستگی ایجاد می‌کند (لسان العرب، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۵۲۱).

معنای اصطلاحی فاصله

قاضی ابوبکر باقلانی (۱۴۲۱، ص ۵۱)^۱ و رمانی (۱۳۸۷، ص ۹۷): فواصل را حروف همانند و هم‌شکلی می‌دانند که در مقاطع آیات می‌آیند و در فهم معانی مؤثر هستند. الدانی (۱۴۱۴، ص ۱۲۶): فاصله، کلمه آخر آیه^۲. ابن منظور (۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۵۲۴) و ابن خلدون (۷۸۱، ج ۱): فاصله را پایان آیه می‌دانند.

^۱ الفواصل حروف متشابهه فی المقاطع یقع بها افهام المعانی.

^۲ الفواصل حروف متشابهه فی المقاطع توجب حسن الافهام المعانی.

^۳ هی کلمه الجملة.

سید خضر (۱۴۲۰، ص ۵): فاصله، کلمه آخر آیه با صدایی هماهنگ و تأثیرگذار است.^۴
 حسناوی (۱۴۲۱، ص ۲۹): فاصله، فاصله توافق حروف پایانی آیات در حروف روی یا وزن است.
 آخوندی (۱۳۹۶) با نگاه دقیق‌تری بر این موضوع نگریسته است، فواصل را از دو جنبه صوتی و دلالتی می‌توان در نظر گرفت:

جنبه صوتی:

که می‌توان فواصل را حروف و کلمه پایانی آیات بیان کرد.

جنبه دلالتی:

فواصل را عبارات و جملات پایانی و مستقل برخی آیات بیان کرد که در مضموم و محتوای آیه تأثیرگذار می‌باشند.

مبنای فواصل

مبنای فاصله‌ها بر وقف است، لذا جایز است که مرفوع در مقابل مجرور و بالعکس نهاده شوند، مانند فرموده خداوند: (إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ) با فرموده خداوند: «عَذَابٌ وَاصِبٌ» و «شِهَابٌ ثَاقِبٌ» (صافات/۹،۱۱) و فرموده خداوند: «بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ» که با «قَدْ قُدِرَ»، «وَّ دُسِّرَ»، «مُسْتَمِرٌّ» (قمر/۱۱،۱۲،۱۳،۱۹) (زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۶۳؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۲۰۸).

شناخت فاصله

جعبری برای شناختن فواصل از دو راه امکان‌پذیر است توقیفی و قیاسی (زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۸۷؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۸۲).

الف: توقیفی

توقیفی آن است که رسول خداوند (ص) دائماً بر آن وقف داشته و هرکجا همیشه وصل می‌خوانده یقین داریم فاصله نبوده است و اگر در برخی آیات گاهی وصل و گاهی وقف می‌خواندند احتمال وقف برای نشان دادن فاصله یا وقف تام یا استراحت است و وصل برای اینکه فاصله نبوده، به وصل می‌خواندند.

ب: قیاسی

قیاسی که غیر از منصوص محتمل به منصوص، ملحق شده باشد و به دلایل خاص این کار محذوری ندارد زیرا در آن کاستی و نقصی وجود ندارد بلکه نهایت چیزی که وجود دارد محل فصل یا وصل است در صورتی که وقف بر هر کلمه‌ای در قرآن جایز و وصل تمام قرآن نیز جایز است.

اهمیت وجوه فواصل آیات قرآن کریم

آخوندی (۱۳۹۸) اهمیت فواصل آیات را در یازده مورد بیان کرده است:

- فاصله، یکی از وجوه اعجاز قرآن کریم
- فاصله، تجلی بلاغت قرآن
- فاصله، زینت بخش قرآن
- فاصله، باعث همبستگی، هماهنگی و نظم بخشی به آیات و سوره‌ها
- فاصله، عامل تأثیر قرآن در جان‌هاست
- فاصله، تداعی کننده فضای کلی سوره
- فاصله، موجب تدبر، فهم و معرفت بیشتر قرآن
- تدبر در فواصل، باعث معرفت بیشتر خداوند
- کاربرد فواصل در علم قرائت
- فواصل، تسهیل کننده حفظ قرآن
- فاصله، ترکیب کننده لفظ، موسیقی م معنا

^۴ والفاصله القرآنیة قدتكون كلمة من بينه آیه قصيره و قدتكون كلمة من بينه جملة تأتي في نهاية الآیه معقبه أو مقررره أو موكده.

تحلیل داده‌ها

ساخت‌شکنی فواصل آیات قرآن کریم

ابن صائغ (۴۴۵ق) در کتابش با نام «احکام الراء فی احکام الایه»^۵ به بررسی مراعات فواصل در قرآن پرداخته است. وی مناسبت در فواصل در لغت و زبان عرب را امری مطلوب دانسته که بخاطر آن احیاناً با قواعد مخالفت می‌شود، در مناسبت فواصل به ۴۰ مورد از تغییرات اعمال شده در فواصل اشاره دارد (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۹۱؛ حسناوی، ۱۸۲۴، ص ۵۲؛ معرفت، ۱۳۸۶، ج ۵؛ طاهرخانی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۱-۱۱۸). در کتب معاصر نیز در خصوص فواصل آیات کتبی در اختصاص با آن نگاشته شده که آنان نیز به تغییراتی اشاره دارند منجمله کمال الدین عبدالغنی مرسی در «فواصل الایات القرآنیه»؛ السیدخضر در «فواصل الایات القرآنیه»؛ ابوحسان در «الدلالات المعنویه لفواصل الایات القرآنیه»؛ با جمع بندی در بیان انواع تغییرات موجود می‌توان در دسته‌های کلی تغییرات را در دوازده رده تقسیم‌بندی نمود هر دسته شامل چند زیر شاخه می‌شود که در ذیل به بیان تغییرات پرداخته و در هر مورد به ذکر چند آیه و به صورت اجمالی توضیح مختصری ارائه شده است:

۱. تقدم و تاخرها؛ ۲. افزایشی حروف؛ ۳. حذفیات؛ ۴. متحیزها (جایگزین)؛ ۵. إماله آن چه که إماله نشود؛ ۶. تغییر مبنای واژگان؛ ۷. صرف نمودن غیر منصرف؛ ۸. جان بخشیدن به غیر عاقل؛ ۹. موانع اعراب در فواصل؛ ۱۰. جمع بین مجرورات؛ ۱۱. عدم تطابق دو قسمت جمله؛ ۱۲. تکریر.

۱. تقدم و تاخر

✓ تقدم مفعول بر فعل

أ هُوَ لِأَيِّ إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ (سبأ: ۴۰)؛ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ (الفاتحة: ۵) (مرسی ۱۴۲۰، ۹۳؛ سیدخضر، ۱۴۲۰، ص ۹۸؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۹۱؛ ابوحسان ۱۴۳۱، ص ۲۱۹).
در این دو آیه «ایاکم» و «ایاک» با توجه به آنکه نقش مفعول در آیات را دارند و متعلق به افعال «يعبدون و نستعين» هستند ولی بر فعل خود مقدم شده‌اند.

✓ تقدم مفعول بر فاعل

وَلَقَدْ جَاءَ آلَ فِرْعَوْنَ النَّذْرُ (قمر: ۴۱) (مرسی، ۱۴۲۰، ص ۹۴-۹۴؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۱۹۱؛ ابوحسان، ۱۴۳۱، ص ۲۱۹).
در این آیه با توجه به آن که «نذر» فاعل جمله است و باید بعد از فعل بیاید اما تقدم «ال فرعون» که مفعول در جمله است را بر فاعل داریم.

✓ تقدم زمانی

فَلِئَلَّهِ الْآخِرَةُ وَالْأُولَى (نجم: ۲۵)؛ وَإِنَّا لَنَّا لِلْآخِرَةِ وَالْأُولَى (لیل: ۱۳)؛ فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى (نازعات: ۲۵)
لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ (القصص: ۷۰) (مرسی، ۱۴۲۰، ص ۹۵؛ سیدخضر، ۱۴۲۰، ص ۱۰۷؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۹۱؛ ابوحسان، ۱۴۳۱، ص ۲۷۴).
در آیات سوره‌های نجم، لیل و نازعات تقدم زمانی را با توجه به رعایت فواصل آیات سور داریم در صورتی که در سوره قصص «اولی» بر «آخرت» آمده است.

✓ تقدم جار و مجرور

... وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ (بقره: ۹۰) (مرسی، ۱۴۲۰، ص ۹۴؛ سیدخضر، ۱۴۲۰، ص ۱۰۱؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۹۱).
در این دسته از تقدمها با توجه به متعلق جار و مجرور، تقدم جار و مجرور را بر متعلقش داریم در این آیه «للكافرين» بر متعلقش که عذاب است تقدم یافته است.

✓ تقدم زمین بر آسمان

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (آل عمران: ۱۸۹)؛ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يُعَدِّلُونَ (انعام: ۱)
رَبَّنَا إِنَّا أَتَيْنَاكَ تَغْلَمًا مَا نُخْفِي وَمَا نُغْلِنُ وَمَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ (ابراهيم: ۳۸) (سیدخضر، ۱۴۲۰، ص ۱۰۷).

^۵ سیوطی «الاتقان فی علوم القرآن»، ج ۲، ص ۱۹۵-۱۹۱.^۶ سیوطی «الاتقان فی علوم القرآن» ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۹۵-۱۹۱.

در آیات سوره‌های آل عمران و انعام تقدم آسمان بر زمین را داریم در صورتی که در سوره ابراهیم علیه السلام با توجه به رعایت فواصل آیات زمین بر آسمان مقدم شده است.

✓ تقدم خبر کان

وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (اخلاص: ۴) (مرسی، ۱۴۲۰، ص ۹۳؛ سیدخضر، ۱۴۲۰، ص ۱۰۴؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۹۱؛ ابوحسان، ۱۴۳۱، ص ۲۷۴).

در این آیه با توجه به آنکه «أحد» اسم کان است و باید بعد از «یکن» بیاید، با توجه به رعایت فواصل آیات سوره در انتهای آیه آمده است.

✓ تقدم ضمیر بر آن چه که توصیفش می‌کند

فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَى (طه: ۶۷) (مرسی، ۱۴۲۰، ص ۹۷؛ سیدخضر، ۱۴۲۰، ص ۱۰۲؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۹۱؛ ابوحسان، ۱۴۳۱، ص ۲۲۲).

با توجه به آنکه ضمیر باید بعد از اسم ظاهر بیاید در این آیه «نفسه» ضمیر «ه» قبل از «موسی» آمده است.

✓ تقدم فاضل بر افضل

أَمَّا رَبٌّ الْعَالَمِينَ رَبِّ مُوسَى وَ هَارُونَ (اعراف: ۱۲۱-۱۲۱)

قَالُوا أَمَّا رَبُّ هَارُونَ وَ مُوسَى (طه: ۷۰)؛ وَ الَّذِينَ بَيَّتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَ قِيَامًا (فرقان: ۶۴)

(مرسی، ۱۴۲۰، ص ۹۶؛ سیدخضر، ۱۴۲۰، ص ۱۰۶؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۹۱؛ ابوحسان، ۱۴۳۱، ص ۲۶۴).

در سوره مبارکه اعراف تقدم موسی بر هارون است در صورتیکه در سوره مبارکه طه با توجه به آنکه فواصل آیات با «الف» ختم می‌شود، تقدم هارون بر موسی را داریم. در سوره مبارکه فرقان نیز با توجه به آنکه سجده ارکان نماز محسوب می‌شود بعد از نماز آمده است.

✓ تقدم مسندالیه بر خبر فعلی در فواصل قرآن هنگامی که مثبت باشد

وَ يَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ (آل عمران: ۷۵)؛ انظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِمَنْ نَشَاءُ (انعام: ۴۶)؛ حَشِرٌ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ الطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ (نمل: ۱۷) (نمل: ۱۷) (ابوحسان، ۱۴۳۱، ص ۲۴۴).

در آیات سوره ذکر شده تقدم «يقولون»، «انظر»، «حشر» را بر «هم يعلمون»، «هم يصدفون»، «هم يوزعون» داریم.

✓ تقدم مسندالیه منفی بر خبر فعلی مشتق چنانچه در فواصل باشند

وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ مَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ (بقره: ۸) (ابوحسان، ۱۴۳۱، ص ۲۵۸)

✓ تقدم مسندالیه منفی بر خبر فعلی در فواصل آیات

قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ (بقره: ۳۸)

بَلَى مَنْ أَسْلَمَ وَ وَجَّهَهُ لِلَّهِ وَ هُوَ مُخْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ (بقره: ۱۱۲)

(ابوحسان، ۱۴۳۱، ص ۲۵۲)

✓ تقدم مسندالیه بر خبر فعلی منفی در فواصل آیات

وَ مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَتَّقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَ نِدَاءً صَمٌّ بَكْمٌ عُمًى فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (بقره: ۱۷۱)

إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (انفال: ۵۵)

(ابوحسان، ۱۴۳۱، ص ۲۴۴).

✓ تقدم صفت جمله بر صفت مفرد

وَ نُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنْشُورًا (الإسراء: ۱۳) (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۹۱).

✓ تأخر معطوف بر جایگاهش

وَ لَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَكَانَ لِزَامًا وَ أَجَلٌ مُسَمًّى (طه: ۱۲۹) (سیدخضر، ۱۴۲۰، ص ۱۰۲؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۹۵).

با توجه به آن که «اجل مسمی» معطوف بر «کلمه» است و باید بعد از «کلمه» باید بیان شود اما با تأخر آن روبرو هستیم.

✓ تأخر مفعول بر جایگاهش

قَالَ أَتُونِي أَفْرَغْ عَلَيْهِ قَطْرًا (كهف: ۹۶) (سیدخضر، ۱۴۲۰، ص ۱۰۵).

«قطرا» مفعول «افرع» است اما بین فعل و مفعول حائل ایجاد شده است.

✓ تأخر صفت و موصوف

أَخْرَجَ الْمَرْعَى؛ فَجَعَلَهُ عُثَاءً أَحْوَى (الأعلى: ۵-۴) (سیوطی، ۱۴۲۱، ص ۱۹۵).
 «احوی» صفت برای «مرعی» است اما با تأخر بیان شده است.

✓ تأخر منادا

يا إِبْرَاهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا إِنَّهُ قَدْ جَاءَ أَمْرٌ رَبِّكَ وَإِنَّهُمْ آتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ (هود: ۷۶)
 وَ نَادِيَانَا أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ (صافات: ۱۰۴)؛ قَالَ فَمَنْ رَبُّكُمَا يَا مُوسَى (طه: ۴۹) (سیدخضر، ۱۴۲۰، ص ۱۰۳).
 «یاابراهیم» در آیه اول، در ابتدای آیه در سوره هود بیان شده است و با توجه به آنکه بیشتر فواصل آیات با حروف «دال» و «باء» خاتمه یافته است تغییر در فواصل ایجاد نشده است در صورتی که در سوره مبارکه صافات بیشتر فواصل آیات با «ون» و «ین» خاتمه یافته است و حروف «میم» با «نون» هم مخرج هستند با تأخر منادا روبرو هستیم و همچنین در سوره طه نیز به دلیل رعایت فواصل آیات، تأخر منادا را داریم.

✓ تأخر صفت مفرد بر صفت از جار و مجرور و جدایی آن از موصوفش

وَ فِي ذَلِكَ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ (بقره: ۴۹)؛ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ (هود: ۱۱۰) (سیدخضر، ۱۴۲۰، ص ۱۰۸).
 در این دو آیه با توجه به آن که «عظیم» و «مریب» به ترتیب صفت برای «بلاء» و «شک» هستند با تأخر بیان شده‌اند.

۲. افزایش حروف

✓ افزایش «الف» مدی

«الظنون»؛ «الرسول»؛ «السبيل» (مرسی، ۱۴۲۰، ۹۸؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۹۲؛ ابوحسان، ۱۴۳۱، ص ۲۰۷).

✓ افزایش «هاء» سکت

مَالِيَةَ (الحاقه: ۲۸)؛ سُلْطَانِيَةَ (الحاقه: ۲۹)؛ مَا هِيَ (القارعة: ۱۰۱) (مرسی، ۱۴۲۰، ص ۱۰۴؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۹۵).

۳. حذفیات

✓ حذف مفعول

مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى (ضحی: ۳)؛ فَأَمَّا مَنْ أُعْطِيَ وَاتَّقَى (لیل: ۵) (مرسی، ۱۴۲۰، ص ۱۰۱؛ سیدخضر، ۱۴۲۰، ص ۱۳۰؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۹۳؛ ابوحسان، ۱۴۳۱، ص ۲۰۵).

✓ حذف فاعل

وَ إِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ (انشقت: ۳)؛ وَ إِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ (تکویر: ۱۱) (مرسی، ۱۴۲۰، ص ۱۰۴؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۹۵، ابوحسان، ۱۴۳۱، ص ۲۰۴).

نکته: در برخی آیات با حذف فاعل و نیابت دادن به مفعول در تغییرات فواصل روبرو هستیم.
 وَ مَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى (اللیل: ۱۹).

✓ حذف تمییز عدد

عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ (مدثر: ۳۰) (سیدخضر، ۱۴۲۰، ص ۱۳۳).

✓ حذف ضمیر

وَ قَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَ ادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ أَنَا أُنَبِّئُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ فَأَرْسِلُونِ (یوسف: ۴۵)
وَ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ (رعد: ۱۱) (ابوحسان، ۱۴۳۱، ص ۲۰۱).
 در آیه سوره یوسف ضمیر «ه» و سوره رعد «منه» حذف شده است.

✓ حذف متعلق افعال تفضیل

وَ إِنْ تُجْهَرُ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَ أَخْفَى (طه: ۷)
 إِنَّا أَمْنَا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا خَطَايَانَا وَ مَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ وَ اللَّهُ خَيْرٌ وَ أَبْقَى (طه: ۷۳) (مرسی، ۱۴۲۰، ص ۱۰۱).
 هرگاه افعال تفضیل مفرد مذکر نکره آورده شود واجب است که پیرو آن متعلقش نیز ذکر شود.

✓ حذف یاء منقوص معرفه

عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ (رعد: ۹)
 يَوْمَ تُولُونِ مُدْبِرِينَ مَا لَكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ وَ مَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (۳۳) (مرسی، ۱۴۲۰، ص ۹۸؛ سیدخضر، ۱۴۲۰؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۹۲؛ ابوحسان، ۱۴۳۱، ص ۱۹۸).

با حذف «یاء» در واژگان «متعال» و «هاد» در تغییرات فواصل آیات آمده است.

✓ حذف یاء فعل غیر مجزوم

وَ اللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ (فجر: ۴) (مرسی، ۱۴۲۰، ص ۹۸؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ص ۱۹۲؛ ابوحسان، ۱۴۳۱، ص ۲۰۰).

حذف «یاء» در «یسر» است.

✓ حذف یاء اضافی

...ثُمَّ أَخَذْتَهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ (رعد: ۳۲)؛ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَ نَذْرِي (قمر: ۱۶) (مرسی، ۱۴۲۰، ص ۹۸؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۹۲).

«یاء» واژگان «عقاب» و «نذر» به دلیل رعایت فاصله حذف شده است.

۴. متحیزها (جایگزین)

✓ متحیز صیغه فاعل بر مفعول

خُلِقَ مِنْ مَاءٍ دَافِقٍ (طارق: ۶)؛ فَهَوَ فِي عَيْشَةٍ رَاضِيَةٍ (حاقة: ۲۱) (مرسی، ۱۴۲۰، ص ۱۰۳؛ سیدخضر، ۱۴۲۰، ص ۱۱۱؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۹۵).

در اصل «مدفوق» و «مرضیه» است.

✓ متحیز صیغه مفعول بر فاعل

إِنَّه كَانَ وَغْدَهُ مَاتِيًا (مریم: ۶۱)؛ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ جِبابًا مُسْتَوْرًا (اسراء: ۴۵) (مرسی، ۱۴۲۰، ص ۱۰۳؛ سیدخضر، ۱۴۲۰، ص ۱۱۱؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۹۵).

«اتیا» و «ساترا» با توجه به رعایت فواصل آیات نیامده است.

✓ متحیز مفرد بر مثنی

فَلَا يُخْرِجَنَّكُمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى (طه: ۱۱۷) (مرسی، ۱۴۲۰، ص ۱۰۱؛ سیدخضر، ۱۴۲۰، ص ۱۱۳؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۹۳؛ ابوحسان، ۱۴۳۱، ص ۲۰۸).

با توجه به مثنی بودن آیه در اصل باید «فتشقی» می آمد که به دلیل رعایت فاصله مفرد آمده است.

✓ متحیز مثنی به مفرد

وَ لِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ (الرحمن: ۴۶)؛ إِذْ أَنْبَعَتْ أَشْقَاهَا (شمس: ۱۲) (مرسی، ۱۴۲۰، ص ۱۰۱؛ سیدخضر، ۱۴۲۰، ص ۱۱۴؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۰۲).

در اصل «جنه» و «اشقیها» باید باشد که به دلیل رعایت فاصله به صورت مثنی آمده است.

✓ متحیز جمع بر مثنی

ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ وَ هِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَ لِلْأَرْضِ أئْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ (فصلت: ۱۱) (سیدخضر، ۱۴۲۰، ص ۱۱۴).

با توجه به آن که آسمان و زمین، مثنی محسوب می شوند اما «طائعین» بصورت جمع، به دلیل رعایت فاصله آمده است.

✓ متحیز جمع بر مفرد

لَا يَبِغُ فِيهِ وَ لَا خِلَالَ (يوسف: ۴)؛ كُلِّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ (الأنبياء: ۳۳) (مرسی، ۱۴۲۰، ص ۱۰۱؛ سیدخضر، ۱۴۲۰، ص ۱۱۶؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۹۴؛ ابوحسان، ۱۴۳۱، ص ۲۷۷).

«خلال» و «یسبحون» به دلیل رعایت فواصل آیات به صورت جمع آمده است.

✓ متحیز مفرد به جمع

وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا (الفرقان: ۷۴)؛ وَ جَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ (الأنبياء: ۷۳) (مرسی، ۱۴۲۰، ص ۱۰۲؛ سیدخضر، ۱۴۲۰، ص ۱۱۶؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ص ۱۹۳؛ ابوحسان، ۱۴۳۱، ص ۲۷۹).

در واقع باید «ائم» را با توجه به سوره انبیاء که جمع بیان نموده، جمع بیان می کرد اما به دلیل رعایت فاصله به صورت مفرد آمده است.

✓ متحیز مذکر بر مؤنث

ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ وَ هِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَ لِلْأَرْضِ أئْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ (فصلت: ۱۱) (سیدخضر، ۱۴۲۰، ص ۱۱۸؛ ابوحسان، ۱۴۳۱، ص ۲۸۶).

«طائعین» که در واقع «طائعات» می آمد که به دلیل رعایت فاصله به صورت مذکر بیان شده است.

✓ متحیز مذکر بر اسم جنس

تَنْزِعِ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ مُنْقَعٍ (قمر: ۲۰) (مرسی ۱۴۲۰، ۹۹؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۹۲).

✓ متحیز مونث آوردن اسم جنس

سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَ ثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ (حاقه: ۷) (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۹۲).

✓ متحیز وصف غیر ابلاغ بر ابلاغ

(الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ)، (رُؤْفَ رَحِيمٍ)، زیرا که رأفت از رحمت بلیغتر است (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۹۵).

✓ متحیز اسم تفضیل بر صیغه مبالغه

حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ (تکواثر: ۲) (سیدخضر، ۱۴۲۰، ص ۱۲۳).
 با توجه به آن که مفرد «قبور» قبر می شود اما به دلیل رعایت «مقابر» آمده که مفرد آن مقبره می شود.

✓ متحیز صیغ مبالغه

أَجْعَلِ اللَّيْلَةَ إِلَهُاً وَاحِداً إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عُجَابٌ (ص: ۵)؛ بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ فَقَالَ الْكَاْفِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ (ق: ۲) (مرسی، ۱۴۲۰، ص ۱۰۳؛ سیدخضر، ۱۴۲۰، ص ۱۲۱، سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۹۴).
 در سوره مبارکه صاد و قاف در جایگزین و انتخاب صیغ مبالغه با توجه به رعایت فواصل آیات، صیغه مبالغه ای که با فواصل از نظر موسیقایی هم خوانی دارد آمده است.

✓ متحیز مصدر مؤکد غیر از مصدر فعلی موجود در جمله

وَ اذْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ وَ تَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلاً (مزل: ۸)؛ وَ اللّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتاً (نوح: ۱۷) (سیدخضر، ۱۴۲۰، ص ۱۲۵).
 با توجه به به افعال آیات بیان شده «تبتل» و «أنبت» باید بیان می شد که به دلیل رعایت فواصل کلماتی غیر از مصدر فعلی آمده است.

✓ متحیز صیغه مضارع بر ماضی

فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ (بقره: ۸۷) (مرسی، ۱۴۲۰، ص ۱۰۴؛ سیدخضر، ۱۴۲۰، ص ۱۲۵؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۹۵).

✓ متحیز هر یک از دو مشترک به یک موضوع

وَ لِيَذَّكَّرَ أَوَلُوا الْأَلْبَابِ (إبراهیم: ۵۲)؛ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّأُولِي النَّهْيِ (طه: ۱۲۸) (مرسی، ۱۴۲۰، ص ۱۰۰؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۹۳).

✓ متحیز صفت شیء به جای بیان اسمش

وَ حَمَلْنَا عَلَى ذَاتِ الْأَوَاحِ وَ دُسْرٍ (قمر: ۱۳) (سیدخضر، ۱۴۲۰، ص ۱۲۵).
 در این آیه به جای بیان «سفینه النوح» از صفت «ذات الواح و دسر» آمده است.

✓ متحیز اسم ظاهر به جای ضمیر

وَ الَّذِينَ يَمْسُكُونَ بِالْكِتَابِ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ (اعراف: ۱۷۰) (مرسی، ۱۴۲۰، ص ۱۰۳؛ سیدخضر، ۱۴۲۰، ص ۱۲۷؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۹۵).
 در این آیه به جای بیان ضمیر «هم» از «المصلحین» به کار برده شده است.

✓ متحیز غریب ترین الفاظ

قِسْمَةٌ ضِيزَى (نجم: ۲۲)؛ لِيُنَبِّدَنَّ فِي الْخَطْمَةِ (همزه: ۵)؛ سَأُصَلِّيهِ سَقَرًا (مدثر: ۲۵) (مرسی، ۱۴۲۰، ص ۱۰۰؛ سیدخضر، ۱۴۲۰، ص ۱۲۷؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۲۶).
 به جهت رعایت تناسب فاصله ها در هر سوره.

✓ متحیز حروف جر

أَنَّ رَبَّكَ أَوْحَى لَهَا (زلزال: ۵) (مرسی ۱۴۲۰، ۱۰۴؛ سیدخضر، ۱۴۲۰، ص ۱۱۸؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۹۵).
 در اصل «إليها» بوده است.

✓ متحیز قرائت‌ها

(فَأُولَئِكَ تَخَرُّوْا رَشَدًا) (جن: ۱۴)، که «رشدا» در قرائت‌های هفتگانه خوانده نشده است، و نیز: (وَ هَيَّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا) (کهف: ۱۰) و حال آنکه در جای دیگر آمده: (وَ إِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ) (اعراف: ۱۴۶) و با این بیان باطل می‌شود ترجیح قرائت‌ها با توجه به رعایت فواصل آیات بیان شده است (مرسی، ۱۴۲۰، ص ۹۹؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۹۲).

۵. اِمَاله آن چه اِماله نشود

سوره‌های طه و نجم (مرسی، ۱۴۲۰، ص ۱۰۲؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۹۴).

۶. تغییر مبنای واژگان

وَ طُورِ سَيْنِیْنَ (تین: ۲)؛ که در «سینا» بوه است (مرسی، ۱۴۲۰، ص ۱۰۵؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۹۵).

۷. صرف غیر منصرف

وَ يُطَافُ عَلَیْهِمْ بِأَنْبِیَهِ مِنْ فَضَّةٍ وَ أَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِیرًا (انسان: ۱۵) (مرسی، ۱۴۲۰، ص ۹۸؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۹۲).

۸. جان بخشیدن به غیر عاقل (صنعت تشخیص)

إِذْ قَالَ یُوسُفُ لِأَبِیْهِ یَا أَبَتِ إِنِّی رَأِیتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ رَأِیتُهُمْ لِی سَاجِدِیْنَ (یوسف: ۴) وَ هُوَ الَّذِی خَلَقَ اللَّیْلَ وَ النَّهَارَ وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ كُلٌّ فِی فَلَكٍ یَسْبَحُونَ (انبیاء: ۳۳) (مرسی، ۱۴۲۰، ص ۱۰۲؛ سیدخضر، ۱۴۲۰، ص ۱۱۵؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۹۴).

۹. موانع اعراب در فواصل آیات

✓ آن چه در فواصل مانع نصب می‌شود

... تَلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (بقره: ۱۸۷)
 ...الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (اعراف: ۱۷۶) (سیدخضر، ۱۴۲۰، ص ۱۳۵).
 در این آیات با توجه به ماقبل آیات «فتقوا» و «فتفكروا» نیامده بلکه به دلیل رعایت فواصل آیات بدین گونه بیان شده است.

✓ آن چه در فواصل مانع نصب و رفع می‌گردد

... وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (انفال: ۷۰)؛ ... إِنْ اللَّهُ كَانَ غَفُورًا غَفُورًا (نساء: ۴۳)؛ ... وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (احزاب: ۵۹) (سیدخضر، ۱۴۲۰، ص ۱۳۷).

با توجه به بررسی فواصل سوره‌های ذکر، صفات الهی نیز مطابقت با رعایت فواصل آیات بیان شده است.

۱۰. جمع بین مجرورات

ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ عَلَيْنَا بِهِ تَبِيعًا (الإسراء: ۶۹) (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۹۵).

۱۱. عدم تطابق دو قسمت جمله

✓ بیان قسمتی از جمله با اسم موصول و قسمت دیگر با اسم فاعل

وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ لَيَعْلَمَنَّ الكاذِبِينَ (عنكبوت: ۳)
 أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (بقره: ۱۷۷) (مرسی، ۱۴۲۰، ص ۱۰۰؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۹۳).
 با توجه به رعایت فواصل آیات که با «ون» و «ین» بوده است نیاورده «الذین کذبوا» و یا «هم تقوا».

✓ بیان قسمتی از جمله که با ما قبلش رد شده است

وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالْيَوْمِ الآخِرِ وَ مَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ (بقره: ۸) که بین گفته منافقین: «آمنّا» و بین «ما» مطابقتی نشده، و با آن رد نگشته که بفرماید: «لم يؤمنوا»، یا «ما آمنوا»، برای همان رعایت تناسب فاصله‌ها (مرسی، ۱۴۲۰، ص ۱۰۳؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۹۳؛ ابوحسان، ۱۴۳۱، ص ۲۷۳).

۱۲. تکریر

وَ أَصْحَابُ الْمَشْئِمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْئِمَةِ؛ وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ (فجر: ۱۰-۹)
 كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا؛ وَ جَاءَ رَبُّكَ وَ الْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا (فجر: ۲۲-۲۱) (سیدخضر، ۱۴۲۰، ص ۱۰۴).
 علت تکرار واژگان را تاکید دانسته‌اند.

نتیجه گیری

۱. قرآن کریم کتابی است که هر پرتو وجودیش ما را با دریایی از علوم آشنا می‌سازد از جمله قضایای ادبی در آن در اوج فصاحت و بلاغت است که تا قبل از نزول قرآن، آثار موجود بر دو دسته نظم و نثر استوار بود اما با نزول آیات الهی و بی بدیل بودن این کتاب الهی، دسته سومی هم بیان شد و آن قرآن بود و از جمله زیبایی‌های قرآن تناسب و هماهنگی در آیات و فواصل آن است.
۲. با استخراج انواع تغییرات در فواصل آیات می‌توان آنان را در دسته‌های کلی بیان نمود که هر دسته می‌تواند خود شامل چندین زیرشاخه باشد.
۳. تغییرات ساختاری در فواصل را می‌توان در دوازده دسته کلی تقدم و تأخرها؛ افزایش حروف؛ حذفیات؛ متحیزها؛ إماله آن چه إماله نشود؛ تغییر مبنای کلمات؛ صرف نمودن غیرمنصرف؛ جان بخشیدن به غیرعاقل؛ موانع اعراب در فواصل؛ جمع بیم مجرورات؛ عدم تطابق دو قسمت جمله و تکریر بیان نمود.

منابع و مراجع

- ۱- ابن فارس، ابوالحسن، مقاییس اللغة، چاپ ششم، بیروت: دارالفکر، ۱۹۷۹م.
- ۲- ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمدبن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
- ۳- ابوالقاسم محمود بن عمرو بن احمد، زمخشری، اساس البلاغه، محقق محمدباسل عیون السواد، چاپ دوم، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
- ۴- ابوحسان، جمال محمد، الدلالات المعنویه لفواصل الايات القرآنیه، اول. عمان: دارالفتح للدراسات و النشر، ۱۴۳۱ق.
- ۵- ابو عبد الرحمن الخلیل بن عمرو بن تمیم الفراهیدی البصری، کتاب العین، محقق مهدی المخزومی؛ ابراهیم السامرایی، چاپ هشتم، دار و مکتبه الهلال، بی‌تا.
- ۶- آخوندی، علی اصغر، بازشناسی کارکردهای تفسیری فاصله، پژوهشهای قرآنی، شماره ۸۵، ۲۹-، ۱۳۹۶ش.
- ۷- آخوندی، علی اصغر، اهمیت فواصل قرآنی، مشکوه: شماره ۱۴۵، ۷۷-۵۷، ۱۳۹۸ش.
- ۸- الباقلانی، ابوبکر محمد بن الطیب، اعجاز القرآن، اول، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۱ق.
- ۹- الحسنای، محمد، الفاصله فی القرآن. دوم. عمان: دار عمار، ۱۴۲۱ق.
- ۱۰- الحسن محمد، محبوب، مناسبه الفواصل القرآنیه و علاقاتها و آیاتها، جامعه الإمام محمد بن سعود الإسلامیه. شماره ۱۸، ۱۲۴ تا ۷۱، ۱۴۱۷ق.
- ۱۱- خرقانی، حسن، آیه و ساختار آن، بینات (موسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام). شماره ۲۹، ۵۷-۳۴، ۱۳۸۰ش.
- ۱۲- خضر، السید، الفواصل القرآنیه- درسه البلاغیه، چاپ دوم، قاهره: مکتبه الآداب، ۱۴۲۰ق.
- ۱۳- رمانی، علی بن عیسی، الکنز فی اعجاز القرآن، چاپ دوم. قاهره: دارالمعارف، ۱۳۸۷ش.
- ۱۴- زرکشی، محمد بن عبدالله، اول، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۰ق.
- ۱۵- سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، چاپ دوم. بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۲۱ق.
- ۱۶- طاهرخانی، جواد، بلاغت و فواصل قرآن، نوبت چاپ اول، تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳ش.
- ۱۷- عبدالغنی مرسی، کمال الدین، فواصل الآيات القرآنیه، چاپ اول، بی‌جا، المکتب الجامعی الحدیث، ۱۴۲۰ق.
- ۱۸- عثمان بن سعیدالدانی، ابوعمرانلسی، البیان فی عد آی القرآن، چاپ اول، کویت: مرکزالمخطوطات، ۱۴۱۴ق.
- ۱۹- معرفت، محمدهادی؛ مولایی نیا همدانی، عزت الله، تناسب آیات. چاپ اول، قم: بنیاد معارف اسلامی، ۱۳۷۳ش.